

کیفی - کتی

حمیدرضا جلانی پور: **کتی** **quantitative**: در علوم اجتماعی به روش شناسی ای گفته می شود که برای دستیابی به یافته‌هایش از داده‌های عددی استفاده می کند. بنابراین هر نوع تکنیک آماری برای گردآوری و تحلیل مواد تحقیق و هر نوع تبدیل رفتار انسانی به عدد، یک روش کتی است. گزاره‌هایی به شکل «۸۵ درصد مردم معتقدند که . . . » گزاره‌هایی کتی هستند. دانشمندان علوم اجتماعی معمولاً با یافته‌های کتی به منزله واقعیات برخورد می کنند.

کیفی qualitative: به روش شناسی ای گفته می شود که به مواد و اطلاعات استخراج شده از منابع غیرکتی اهمیت می دهد. بنابراین، در علوم اجتماعی هر مطالعه‌ای که اطلاعات و مواد خود را به شکل گفت‌وگو، مصاحبه، پاسخ‌های نوشته شده یا ضبط شده، بخش‌هایی از کتب، گزارش‌ها یا روزنامه‌ها، آزمون‌های نگرش، مشاهده‌های مشارکتی و راه‌هایی از این دست گردآوری و تحلیل کند، از روش کیفی استفاده کرده است.

■ **مفاهیم مرتبط**

روش method: معمولاً به تکنیک‌های خاص تحقیق گفته می شود، مثل مدل‌نگاری، مشاهده مشارکتی، پیمایش، پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه و غیره.
علم science: به شکل غالب فهم در جوامع غربی در طول دوران مدرن، علم گفته می شود. بیشتر چیزهایی که برای جامعه خود مطلوب و ضروری می‌نذاریم، محصول علم هستند، مثل: مهندسی و پزشکی. علم همچنین به نوعی جهش و انتزاع از داده‌ها اشاره دارد که به تعمیم‌های فراترپایه‌ای می‌انجامد و البته همیشه این امکان وجود دارد که بعداً ابطال شوند.

روش شناسی methodology: روش‌شناسی یک رویکرد و رهیافت کلی به مطالعه موضوعات پژوهش است. روش شناسی شامل یک دیدگاه و یک شیوه تحلیل انتخابی است، مثلاً روش شناسی پوزیتیویستی با کتی کردن سر و کار دارد و روش شناسی تفهیمی و هرمنوتیکی روی روش‌های کیفی تاکید بیشتری دارد.

فرضیهhypothesis: فرضیه یک گزاره قابل آزمون‌اند است. این گزاره که «همه قوها سفیدند» یک فرضیه است که می‌توانیم با مشاهده قوها آن را آزمایش

و به‌خصوص به دنبال قوهای غیرسفید بگردیم. اگر هیچ قوی غیرسفیدی نیابیم، آنگاه این فرضیه به یک تعمیم تجربی تبدیل می شود.

دیوید سیلورمن



نوشته‌های عمومی ارسطو

سمود زنجانی: در مجموعه آثار به جای مانده از ارسطو، ۲۱ تا، سه قطعه شعر کوتاه، وچیننامه و پاره‌ای خطرات منسوب به او به چشم می‌خورد. جدا از آنها، آثار علمی- فلسفی او هستند که آنها را می توان ابتدا بر حسب شکل و شیوه نگارش شان به سه دسته کلی تقسیم کرد: نوشته‌های عمومی، رساله‌های تعلیمی و یادداشت‌های مقدمه‌ای. نوشته‌های عمومی (exoteric) به خامه خود ارسطو و برای انتشار عمومی نگاشته شده‌اند. زمان نگارش این آثار به نخستین مراحل علمی او برمی گردد، یعنی دوره‌ای که هنوز او به عنوان شاگرداکادمی افلاطون قلمداد می شود. بیشتر نوشته‌های عمومی، سبکی شیوا و دلنشین داشته و غالباً نیز به سبک محاورات افلاطونی نوشته شده‌اند؛ هر چند به نظر می‌رسد که اولاً آنچه نمایشی کمتری داشته‌اند و ثانیاً خود نویسنده (ارسطو) نیز یک تن از حضارآن مجلس و شرکت‌کنندگان بحث، بلکه رهبر مکالمه و گفت و شنود در آن است. ازاین نوشته‌ها اکنون جز قطعاتی موجود نیست، اما نزدیکی به صد ایه دیگر و تقریباً هفتمین مانده، از زمان ارسطو تا میلاد مسیح، در دسترس است. ارسطوشناسان جدید بر اساس همین ارجاعات تلاش کردند تا این قطعات را بازسازی کنند. اولین تلاش در این راستا از یک سو، آندوید ولنتین و از سوی دیگر و تقریباً همزمان با او، توسط برتانیز انجام شد. پس از آن دو نیز، پژوهندگان



دیگری مانند برنی، بایوئر، والتسر و راس مجموعه‌های جدیدی از این قطعات را منتشر ساختند. مهم‌ترین نوشته‌های عمومی عبارتند از: ۱- محاوره «آدموس» که درباره‌نامیرایی روح است و «طبق کاتلی» یا مباحث مطرح شده در محاوره «فایدون» افلاطون دارد. ارسطو در این محاوره به رد دیدگاه مادی در باب نفس می‌پردازد و از این حیث با آنچه بعدها پس از اتخاذ موضع مستقل خود مطرح می‌کند بسیار متفاوت است. این محاوره را ارسطو به یاد یک دوست و همدرس دیرین خویش، آدموس قیرمی نوشته است. ۲- رساله «تشیق به فلسفه» موضوع واحدی ندارد بلکه بیانی است از اهمیت فلسفه و ارزش آن در زندگانی، دگری از معان ایران و از نشونب آنها در آن بوده است. به این رساله ظاهراً به صورت خطابه یا یک نامه طولانی خطاب به فیلسف شهزاده‌ای از قبرس بوده است. رساله «تشیق به فلسفه» در میان ایران و با همین عنوان از آن اقتباس کرده‌اند. این رساله متضمن این آموز معروف ارسطو است که اگر فلسفه ضرورت داشته باشد اثباتش محتاج به فلسفه است و اگر هم فلسفه ضرورت نداشته باشد باز اثبات آن به فلسفه نیاز دارد. ۳- محاوره «در باب فلسفه» که ظاهراً برای اولین بار نوعی مخالفت و عصبان ارسطو نسبت به تعلیم افلاطون، به ویژه نظریه صور او، را در بر دارد. به علاوه از لحاظ ما این اهمیت راینز دارد که در آن به مناسبت، دگری از معان ایران و از نشونب آنها در آن بوده است. به گفته یگر در دفتر اول این نوشته آمده است که به باور ایرانیان در اصل در کار جهان موثر اند؛ یکی ایزد نیک یا «هومرود» و دیگری «هرمپس». آنگاه ارسطو از یک سو، این دو را با «زئوس» یعنی خدای روشنی آسمان و «هئادس» یعنی خدای تاریکی زمین مقایسه می‌کند و از سوی دیگر، مقایسه‌ای نیز میان زرتشت و افلاطون به عمل می‌آورد.



حکمت شادانان

گزارشی از افتتاح کتابخانه سیدحسین نصر در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

ورود برای عموم آزاد است



ریس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران آشنایی خود با سیدحسین نصر استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن را مربوط به سال ۱۳۳۲ شمسی دانست که در دانشگاه آمریکایی بیروت با او آشنا شده «در آن زمان من در ۱۸ سلسله سخنرانی درباره اسلام شرکت کردم که ۶ سخنرانی آن منتشر شد و تأثیرات بسیاری در آن زمان ایجاد کرد.»

اعوانی نصر را از شخصیت‌های برجسته‌ای معرفی کرد که یکی از بنیان‌تأسيس انجمن حکمت و فلسفه بود و طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در آن فعالیت کرده و کتاب‌های بسیار ارزشمندی در زمینه معارف اسلامی و حکمت منتشر کرد. او ۲۵ جلد کتاب به زبان انگلیسی در معرفی حکمت اسلامی، دفاع از سنت و سنت دین نوشته که نه تنها اصول و عقاید بلکه تمام شاخه‌هایی چون علوم اسلامی و تاریخ و حکمت فلسفه اسلامی را دربرگرفته است.
اعوانی، نصر را یکی از بزرگترین صاحبزنان معاصر دانست که ابعاد مختلف فرهنگ، عرفان و حکمت اسلامی را در آثار خود به غربیان معرفی کرده است.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه با اشاره به اینکه چندین کشور داوطلب خرید این مجموعه ارزشمند با مبلغ گزافی بودند گفت: «سیدحسین نصر ترجیح داد این مجموعه را به قیمت بسیار ناارزی در اختیار ایران قرار دهد و از آنجا که وی را می‌توان یک کتابشناس دانست، این مجموعه از ارزش و اهمیت بسیاری برخوردار است.»
محمدحسن غفغوری استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن آمریکایی طی سخنرانی خود با اشاره به اینکه امروز در حیات انجمن حکمت و فلسفه و حیات دکتر نصر روز مهمی است، نقش نصر را در گسترش تعلیم اسلامی و ارائه نگرش‌های اسلامی به غرب مورد تأکید قرار داد: «تا همین اواخر در دانشگاه‌های آمریکا مدت زمان محدودی برای تدریس مطالعات اسلامی در نظر گرفته می‌شد و این رشته را اغلب زیرمجموعه مطالعات منطقه‌ای و خاورمیانه‌ای تدریس این ۲۷ سال یک‌باز پایش را به ایران بگذارد. نصر،

زیستن و پرسیدن

صالح نجفی: گفتیم که به هنگام برقراری ارتباط با دیگران زبان‌را به‌کار می‌گیریم. زبانی که از اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایمان نشأت می‌گیرد، از «ایده‌ها»مان و این ایده‌ها که در کل همان طرز برخورد در جهان پیرامون است به نوع خود از تجربه حیات سر می‌زند- از زیستن و صد البته از آنچه می‌آموزیم و این بدین معنا است که زبان محصول شیوه تعلیم و تربیت ما است و تعلیم و تربیت به احتمال زیاد تحت تأثیر و زیر نفوذ نگرش‌ها و دیدگاه‌های جامعه‌ای که در آن زاده‌ام صورت می‌بندد. گفتیم که زبان در درجه اول یک زندان است. بی که بخوایم به دست خودمان یکبار و از خدا بی‌خبر پیدا نشوئند و درباره این چیزهایی که برای «بهتر زیستن» بهتر است درباره‌شان سوالی نکنیم یک ریز سوال نکنند، همه چیز بر وفق مراد (مخصوصاً مراد آتانی که زمام امور در «وضع موجود» در دستان خدایمان است) خواهد بود. به آن چیزهایی که به نفع خودتان است درباره‌شان سوال نکنید می‌گویند «مسائل بنیادی» یعنی موضوعاتی که پایه و بنیاد باقی مسائل هستند. آیا می‌توان درباره این مسائل بنیادی (این به‌های کوچک و بزرگ)

■

قرآن کتابی برای همه زمان‌ها

شده و طلاق و ازدواج با پیش از یک زن به عنوان رفتاری غیرشرعی و برابر با زنا دانسته شده است. همچنین در این کتاب تحریر شده در رابطه با ارث و مسائل مربوط به زنان نکته‌هایی ذکر شده که به هیچ‌وجه یا کتاب مقدس قرآن همخوانی ندارد. این کتاب که در نسخه‌های بسیار زیاد در جوامع عربی منتشر گردیده است هم‌اکنون در برخی مدارس خصوصی کویت تدریس می‌شود. کتاب مذکور ۷۷ سوره دارد که پس از حواشر پانزدهم سپتامبر به بهانه معظمت متون ضعیهودی، اقدام به حذف برخی از آیات قرآن در رابطه با یهودیان در کتب منتشر شده در آمریکا کرده‌بود توانست از تفرق و تشتت موجود در جهان اسلام بهره برده و کتابی به نام «قرآن الحق» را به عنوان جعلی قرآن جدید به کشورهای اسلامی وارد کند. این کتاب که به شخصی به نام «الصفی‌الهام» منسوب شده است توسط فردی به نام المهدی به انگلیسی ترجمه شده با حمایت‌های مالی اعراب مسیحی در آمریکا توسط دو شرکت انتشاراتی به نام‌های wine press و omega تا ۳۶۶ صفحه‌ای در به چاپ رسیده است که در هر صفحه آن متن عربی و انگلیسی مقابل هم قرار گرفته است. در این کتاب ۳۶۶ صفحه‌ای در آغاز هم سوره به جای کلمه «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» عبارت «بسم‌الله» درج شده است تا ارتباط بیشتری با مفاهیم مسیحی «به نام پدر» پیدا کند. نویسنده در مقدمه متن آورده است که این کتاب را به ملت عرب و همه مسلمانان جهان تقدیم می‌کند. در عقق وجود هر انسانی اشتیاق فراوانی برای رسیدن به ایمان و حقیقتی، آراشمن درونی، اراده معنوی و زندگی ابدی وجود دارد. و این متن «قرآن‌الحق» می‌تواند به اشتیاق سمت و سو ببخشد. نکته جالب توجه در این کتاب تحریف‌های آشکارایی است که نویسنده نسبت به متن کتاب مقدس قرآن روا داشته چنان که در برخی آیات آن، جهاد عملی حرام شناخته

قرآن کتابی برای همه بشریت است.

می‌کرده و تنها تاریخ اصلاح طی دوره تدریس مطالعات اسلامی مورد بررسی قرار می‌گرفت و هیچ توجهی به دکترین اسلامی مبذول نمی‌شد.
«غفغوری یادآور شد: ۹۵درصد افرادی را که با مطالعات اسلامی در عرصه تحقیق و تدریس ارتباط داشتند، دانشمندانی تشکیل می‌دادند که پیرو ادیان نادر بوده و ملت آن را چنین برآورد کرده بودند که دانشمندان مسلمان بی‌غرضانه

■

چرا این آقا تشریف نمی‌آورند

بنیان‌گذار انجمن حکمت و فلسفه ایران است. بسیاری از اساتید فلسفه و الهیات در سرزمین ما و حتی برخی از متولیان درجه اول امور سیاسی از شاگردان او بوده‌اند و از علاقه‌مندان وی هستند. جالب اینکه بخش عمده‌ای از منتقدان پروژه روشنفکری دینی همواره در مواجهه با آنان به افکار و آرای دکتر نصر استناد کرده‌اند. سردمداری پروژه اسلام معناگرا و ضدخونشت در جهان پس از ۱۱ سپتامبر هم با همین استاد شیک‌پوش دانشگاه جورج واشینگتن بوده است. پس چرا این اتفاق می‌افتد؟ بسیاری از منتقدان، موضوع این یادداشت نیست. مسئله این است که دانشجویی علاقه‌مند ایرانی ممکن است از خودش پرسید این استاد عزیز، که به قول دکتر اعوانی و آن استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشینگتن در گزارش بالا، آتقدرد عرق ملی و وطن‌پرستی داشته که کتابخانه‌اش را به ارزاترین بهای ممکن در اختیار انجمن حکمت و فلسفه ایران گذاشته، حتی حاضر نشده در تمام این ۲۷ سال یک‌باز پایش را به ایران بگذارد. نصر،



محمدرضا حائری: در شهرسازی معاصر، فضا به هدر رفته، درست همانند آب، هوا، برق و مصالح که به هدر می‌روند. به علاوه در شهرهای معاصر کلیه عملکردهای انسانی تقلیل پیدا کرده‌اند به نحوی که حتی عملکردهای بیولوژیک هم در این شهرها از کارایی لازم برخوردار نیستند. از آنجا که شهر و بنا چیزی نیستند جز سازمان‌هایی فضا در مقیاس کلان و خرد، برای روشن شدن نوع رشد و چگونگی سازمان‌یابی فضا در چنین سیستمی مفروضاتی باید در نظر گرفت. شهر را به صورت تکه تکه نگاه می‌کنیم، هیچ رابطه منطقی بین شهر و شهرنشینی و شهرسازی برقرار نکرده‌ایم و به کنترل و هدایت خروجی این روند که شهریت و تربیت شهروند است نمی‌اندیشیم. گمان می‌بریم، شهر آفریده شده که در آن به دنیا بیاییم، صبح تا شام بدهیم، درآمدی کسب کنیم، راندنگی کنیم، ساخت و ساز کنیم و بدون اندیشه و آرمان روزگار بگذرانیم؛ فضا یا به هدر رفته یا حذف شده یا غارت شده است، توان‌های محیطی یا دریع شده یا نادیده گرفته شده است و حریم که یا مورد تجاوز قرار گرفته و یا مورد سوءاستفاده‌های این‌گونه رشد شهری. بر همین اساس اگر قرار است درباره حفظ پایداری شهر گفت‌وگو کنیم، بازنگری درباره حریم یکی از سرفصل‌های اصلی گفت‌وگو است: حریم و حریم‌هایی که از ما دریع شده در زمره مطالبات شهروندی است و می‌بایست عمدتاً در شهر تأمین شود تا به عنوان الگو بر سایر آبادی‌های کشور تسری پیدا کند. هر مدیر شهر، هر سیاستمدار، هر شهرواد، را متخصص و شهرپژوهی با هر طیفی از گرایش‌های سیاسی، می‌بایست به مسئله حریم در همه ابعاد آن نگاه کند. در معناری و شهرسازی ایرانی، حریم معناری است که در تمامی فضاها، خرد و کلان به صورت شبکه‌ای به هم پیوسته متغیور و دار و از دست دادن آن یعنی تقویت ناپایداری و تشویق بی‌حرمتی در همه ابعاد حیات شهری.

روح آتن و حفاظت از فرهنگ و تمدن یونانی

محمود فاضلی: در تاریخ ملت‌ها شهرهایی وجود دارند که نام آنها از کشورشان شهرت می‌آست. شهر آتن یکی از آنها است. در اعلام این واقعیت که مجموعه تاریخی

آکروپولیس آتن برای مردم یونان یک نماد ملی و فرهنگی است، تردیدی نیست. آکروپولیس به عنوان یک اثر تاریخی منحصر به فرد و بنایی سرشار از جمال و زیبایی از چند معبد و یک موزه تشکیل شده است. این مجموعه با دقت و ظرافت بسیار دقیق هندسی و ریاضی ساخته شده است. آکروپولیس که «روح آتن» نیز خطاب می‌شود بر بالای تپه‌ای در مرکز آتن واقع شده است.

فرهنگ، اندیشه تاریخ، مدنیت، فلسفه، معنویت و ارزش‌های هلنی در هیچ شهری به اندازه آتن منظر و مصادیق خود را آشکار نکرده‌اند است. معبد پارثنون در صخره «مقدس» آکروپل به تعبیر یونانیان تنها مجموعه‌ای از سقف و ستون‌های عریان نیست. همان دقت ریاضی، نظم هندسی و روح خردمندانگی که در فلسفه هلنی به ویژه در اندیشه افلاطونی و ارسطویی مشاهده می‌شود را می‌توان هنرمندانه و خردمندانه در معماری آتنی پارثنون دید.

این امر اتفاقی نیست که دولت و ملت یونان با بهره

شکاف روشنفکر– روحانی و ضرورت غلبه بر آن



«آگاهی و معرفت» تشکیل داده است، دو نوع معرفتی که نشأت‌گرفته از دو فرهنگ و دو تمدن کاملاً متفاوت است. لذا نزاع و رویارویی سیاسی و ایدئولوژیک روحانیت و روشنفکران باید به منزله مواجهه و تقابل دو نوع فرهنگ، گونه‌تمدن، دو نظام اوتوتولوژیک و دو سیستم معرفت‌شناختی فهم شود. به همین دلیل، نزاع‌ها و مواجهه‌های سیاسی و ایدئولوژیک روشنفکران و روحانیون باید تا سر حد یک پروژه فلسفی، یعنی پروژه‌ای وجودشناختی و معرفت‌شناختی ارتقا یافته، مسئله نسبت میان روحانیت و روشنفکران در شکل این مسئله صورتبندی شود که میان سطح گوناگون آگاهی دینی و سنتی با علم و عقلانیت مدرن چه نسبت یا نسبت‌هایی امکان‌پذیر است. آیا می‌توان به نظامی تالیفی دست یافت که دو گونه وجودشناختی سنتی و مدرن و دو سطح گوناگون معرفت سنتی و آگاهی مدرن را با یکدیگر دربرگیرد.

این پروژه، مهمترین مسئله‌ای است که باید در گفت‌وهای فلسفی و وجودشناختی و نه در گفت‌وهای سیاسی و ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل، به یقین بر این باورم که میان روحانیت شیعه و جریان روشنفکری ایران، به اعتبار اینکه هر دو قشر اجتماعی، گروهی ماهیتا فکری و معرفتی هستند تقارب‌ها و همسویی‌های بسیاری وجود داشته، همین امر امکان دیالوگ و گفت‌وگو را می‌تواند میان آنان امکان‌پذیر سازد.

آنچه سبب شده است تا این دیالوگ و گفت‌وگو به تأخیر افتد یا با کندی بسیار صورت پذیرد شکاف تاریخی عمیقی است که میان این دو قشر وجود داشته و دارد، دو قشری که در واقع رهبری فکری و نظری جامعه را برعهده داشته و شکاف میان آنها حرکت اجتماعی در جامعه ما را مختل کرده است. بر عهده روشنفکران و روحانیون آگاه است که آنچه دشواری در اینجا ضروری است این است که شکاف روشنفکر– روحانی بیش و پیش از هر چیز یک شکاف معرفتی و تمدنی است، با این توضیح که روحانیت شیعه، قشری اجتماعی است که از قرن دوم هجری قمری در دل تمدن تمدن عقلی و تئولوژیک اسلامی و به منظور حفظ و پاسداری از فقه و کلام شیعی و بر اساس مبانی وجودشناختی، معرفتشناختی و انسانشناختی عالم شده است. این شکاف گشته، به حدی خودیات تا به امروز مانده عمیق است، لیکن روشنفکری جریانی اجتماعی است که با عصر روشنگری اروپا در قرن هجدهم میلادی و در بطن تمدن غربت عقلی و متافیزیکی غرب و بر اساس مبانی نظری تمدن عادی و بر مبنای وجودشناسی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناسی دوران جدید با هر عرصه هستی گذاشته و از آنجا به جوامع انحطاط یافته و بحران‌زده غیرغربی سرایت کرده است. لذا اندیشیدن به شکاف عمیق میان دو قشر اجتماعی روحانیت و روشنفکران در این قلم‌مباحث تمدنی و معرفتی امکان‌پذیر نیست و تلاش برای حل این شکاف جز در چارچوب‌های فرهنگی، تمدنی و فلسفی و نیز مسئله تا سرحد یک مسئله سیاسی نیست. ایدئولوژیک و به دست سیاسی حاصل آنکه نگاه ما با غارت شده است، توان‌های محیطی را یک‌پارچه معلول در نظر می‌گیریم، شهر را به صورت تکه تکه نگاه می‌کنیم، هیچ رابطه منطقی بین شهر و شهرنشینی و شهرسازی برقرار نکرده‌ایم و به کنترل و هدایت خروجی این روند که شهریت و تربیت شهروند است نمی‌اندیشیم. گمان می‌بریم، شهر آفریده شده که در آن به دنیا بیاییم، صبح تا شام بدهیم، درآمدی کسب کنیم، راندنگی کنیم، ساخت و ساز کنیم و بدون اندیشه و آرمان روزگار بگذرانیم؛ فضا یا به هدر رفته یا حذف شده یا غارت شده است، توان‌های محیطی یا دریع شده یا نادیده گرفته شده است و حریم که یا مورد تجاوز قرار گرفته و یا مورد سوءاستفاده‌های این‌گونه رشد شهری. بر همین اساس اگر قرار است درباره حفظ پایداری شهر گفت‌وگو کنیم، بازنگری درباره حریم یکی از سرفصل‌های اصلی گفت‌وگو است: حریم و حریم‌هایی که از ما دریع شده در زمره مطالبات شهروندی است و می‌بایست عمدتاً در شهر تأمین شود تا به عنوان الگو بر سایر آبادی‌های کشور تسری پیدا کند. هر مدیر شهر، هر سیاستمدار، هر شهرواد، را متخصص و شهرپژوهی با هر طیفی از گرایش‌های سیاسی، می‌بایست به مسئله حریم در همه ابعاد آن نگاه کند. در معناری و شهرسازی ایرانی، حریم معناری است که در تمامی فضاها، خرد و کلان به صورت شبکه‌ای به هم پیوسته متغیور و دار و از دست دادن آن یعنی تقویت ناپایداری و تشویق بی‌حرمتی در همه ابعاد حیات شهری.

همایش اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی

همایش «اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی» با هدف تشریح مبانی و احکام اسلام و سیره نظری و عملی اهل بیت (ع) درباره حقوق بشر آبان ماه در قم برگزار می‌شود.
به گزارش آفتاب‌نیوز هدف از برگزاری این همایش تشریح مبانی و احکام اسلام و سیره نظری و عملی اهل بیت (ع) درباره حقوق بشر دوستانه بین‌المللی است. محورهای همایش عبارتند از روشنفکران، مبانی نظری حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، اصول و قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قربانیان محاصمات مسلحانه و راه‌های حمایت از آنان و چالش‌های جدید فراوری حقوق بشردوستانه بین‌المللی. در این همایش مقالاتی پذیرفته می‌شود که ر رعایت ضوابط محتوایی به صورت مقالات پژوهشی تدوین شده باشد و به تبیین دیدگاه‌های اسلامی در زمینه اصول و قواعد پذیرفته شده در حقوق بشردوستانه بین‌المللی پرداخته باشد. علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را تا نیمه اول شهریورماه به نشانی قم، خیابان صفایه، کوچه ۳۷، فرعی دوم، سمت چپ، پلاک ۲۵ یا به آدرس سایت www.islamhi.com یا به پست الکترونیکی ihislam@gmail.com ارسال کنند.
برگزارکنندگان این همایش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، مجمع جهانی تقرب اهل بیت(ع)، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجمع جهانی تقرب، دانشگاه‌های امام صادق و مفید، مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه هستند.

گفت‌مان ایرانیان؛ هویت ایرانی

همایش «گفت‌مان ایرانیان؛ هویت ایرانی» با هدف بررسی چالش‌های فراوری هویت ایرانیان در خارج از کشور، جهانی شدن و هویت ملی نزد جامعه ایرانی و راه‌های تقویت هویت ایرانیان از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار می‌شود. به گزارش مهر، در پی برگزاری نخستین همایش «گفت‌مان ایرانیان» با محور بررسی و شناخت مسائل و مشکلات ارتباطی میان خج از کشور، در سال ۱۳۷۹ کسب نتایج مفید که ترسیم‌کننده راهبردهای فرهنگی است، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دومین همایش گفت‌مان ایرانیان مقیم خارج را با محور «هویت ایرانی» برگزار می‌کند. چالش‌های فراوری هویت ایرانیان در خارج از کشور، جهانی شدن و هویت ملی نزد جامعه ایرانی خارج از کشور و راه‌های تقویت هویت ایرانی ایرانیان محروم‌های پیش‌بینی شده برای این همایش هستند.

